

ارزیابی اقتصادی کسب و کارهای کوچک زنان روستایی (بررسی موردی: استان همدان)

حشمت اله سعدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۹/۲۷

چکیده

از دیدگاه اقتصادی، کسب‌وکارهای کوچک (SEs) ابزاری برای رشد اقتصادی و اجتماعی هستند و می‌تواند در کاهش نرخ بیکاری و ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال موثر باشد. بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک در ایران توسط زنان راه‌اندازی می‌شوند و زنان نخستین گروهی هستند که از کسب‌وکارهای کوچک استقبال نموده‌اند. هم‌اکنون زنان روستایی در ایران در صدها کسب‌وکار کوچک به فعالیت اشتغال دارند و سازمان‌های رسمی و غیررسمی از آنان حمایت می‌کنند. تحقیق حاضر به منظور پاسخ به این پرسش است که آیا اینگونه مشاغل توجیه اقتصادی دارند یا خیر. در این پژوهش شماری از کسب‌وکارهای کوچک زنان روستایی در بخش‌های مختلف خدماتی، کشاورزی و صنعتی در استان همدان در سال ۱۳۹۰ مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. برای ارزیابی اثرگذاری-های اقتصادی کسب‌وکارهای کوچک از روش ارزش حال خالص (NPV) و تحلیل هزینه فایده (CBA) استفاده شده است. بنابر نتایج تحقیق عملکرد اقتصادی کسب‌وکارهای کوچک زنان روستایی (RWSEs) در نقطه بهینه و در وضعیت مثبت قرار داشته و دو نسبت ارزش حال خالص و نسبت هزینه فایده بر پایه معیارهای تعریف شده وضع مطلوبی دارند. به این ترتیب نسبت ارزش حال کسب و کارهای مورد بررسی بزرگتر از صفر و نسبت هزینه فایده آن‌ها بزرگتر از یک بوده است. با این وجود نتایج تحقیق نشان داد نسبت B/C در کسب‌وکارهای مختلف متفاوت و در برخی از کسب‌وکارها به حدود ۴/۰۰ رسیده است. این بدان معنی است که نتایج اقتصادی کسب-وکارهای مختلف متفاوت است. کسب‌وکارهایی که دارای اقدام‌های نوآورانه هستند و در منطقه مورد بررسی اقدام‌های همانند آن‌ها انجام نشده و یا کم است، همچنین فعالیت‌هایی که مدیر کسب‌وکار دارای تحصیلات مرتبط و عالی است دارای نسبت هزینه فایده بالاتری هستند. با توجه به محدودیت منابع پیشنهاد می‌شود با آموزش زنان روستایی، آنان به سوی کسب‌وکارهای جدید و با صرفه اقتصادی تشویق شوند.

طبقه‌بندی JEL : P25, L25, L26

واژه‌های کلیدی: کسب‌وکار کوچک، زنان روستایی، اشتغال، تحلیل هزینه فایده، ارزش حال خالص

^۱ دانشجویار دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا، همدان

مقدمه

اشتغال یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشورهای در هزاره سوم است. با توجه به بحران اشتغال در جهان، امروزه کشورهای مختلف راهبردهای گوناگونی را برای توسعه اشتغال به کار می‌گیرند. ایجاد و توسعه کسب و کارهای کوچک (SEs) یکی از این راهبردهاست که در سال‌های اخیر مورد توجه دولتمردان کشورهای مختلف قرار گرفته است. در این راهبرد کارفرما که در موارد بسیاری کارآفرین است در محیط زندگی خود با استفاده از امکانات در دسترس، اقدام به راه-اندازی کسب‌وکار نموده و برای خود و گاهی دیگران ایجاد اشتغال می‌کند (سیمون و همکاران، ۲۰۰۹).

SEs بنا به تعریف کسب‌وکاری است که اغلب متعلق به بخش خصوصی است، شمار کارکنان آن محدود و فروش تولیدات آن شمار کم است. مفهوم کوچک در این تعریف متغیر و وابسته به نوع فعالیت یا کشور مورد بررسی دارد. موسسه فناوری جورجیا در بررسی خود در ۷۵ کشور به پنجاه تعریف مختلف دست یافته است (طاهرخانی، ۱۳۷۹). چنانچه این رقم کمتر از ۸ نفر در کشور چین (ماهاپاتر، ۲۰۰۷) تا ۵۰۰ نفر نیروی کار در کشور آمریکا متغیر است (سازمان اجرایی کسب‌وکارهای کوچک^۱، ۲۰۱۲). در آلمان کسب‌وکارهای کمتر از ۱۰ نفر نیروی کار کوچک به شمار می‌آیند. در ایران نیز کسب‌وکارهایی که ۹ نفر یا کمتر نیروی انسانی دارند کسب‌وکار کوچک تلقی می‌شوند. البته در تعریف مشاغل کوچک علاوه بر شمار کارکنان شاخص‌های دیگری چون فروش سالانه (گردش مالی)، ارزش دارایی و سود خالص (ترازنامه) و به ویژه حجم سرمایه‌گذاری اهمیت بسیار دارد (کلانتری، ۱۳۷۵).

کسب و کارهای کوچک می‌توانند علاوه بر ایجاد اشتغال در فرایند توسعه ظرفیت‌سازی نموده و امکان ورود به بازارهای جهانی را نیز پیدا کنند (آل ابراهیم، ۲۰۱۰). بنا بر بررسی‌های انجام شده این گونه کسب‌وکارها توانایی پاسخگویی شتابان به تغییر بازار و نیازهای مشتری را دارند (جونز و ماکفرسن، ۲۰۰۶) و به آسانی می‌توانند خود را با شرایط جدید هماهنگ کنند. در واقع آنها رفتاری پویا در رویارویی با شرایط متغیر محیطی دارند (ساروسا، ۲۰۰۷). می‌توان گفت مشاغل خرد تقاضا محور بوده و خود را با نیازهای مخاطب هماهنگ می‌کنند. علاوه بر سازگاری با شرایط خارجی متناسب با شرایط مخاطب، این کسب و کارها می‌توانند روش‌ها و سازوکارهای تولید، بازاریابی و فعالیت‌های خود را با شتاب تغییر دهند. در حالی که صنایع

¹. US. Small Business Administration (SBA)

بزرگ برای تغییر روش‌های تولید و مدیریت نیازمند سرمایه‌گذاری فراوان در محدوده زمانی به نسبت طولانی هستند. بخشی از توانایی‌های مشاغل خرد در رویارویی با محیط و سازگار نمودن فرایندهای داخلی، بستگی به دانش و کارآمدی مدیران این واحدها دارد. بسیاری از این مشاغل توسط کارآفرینان مدیریت می‌شوند. آنان توانایی خلق و بهره‌گیری از دیدگاه‌های جدید را دارند و می‌توانند خود را با شرایط محیطی سازگار نمایند. ارزیابی اقتصادی کسب‌وکارهای کوچک نشان می‌دهد، این مشاغل توجیه اقتصادی قابل قبولی دارند، بنابر برخی از بررسی‌ها آنها می‌توانند درآمد روستائیان را تا ۳۵ درصد افزایش دهند (هاگبلید و همکاران، ۲۰۰۹).

جایگاه زنان روستایی در کسب‌وکارهای کوچک (RWSE_s) در ایران: SEs به ویژه در جامعه‌های کوچک و توسعه نیافته، بیشتر با استقبال زنان روبرو شده است (چان، ۱۹۹۸). افزایش فرصت‌های شغلی برای زنان در خارج از خانواده، به طور عموم از نظر توسعه اقتصادی نقطه مثبتی تلقی می‌شود. زیرا درآمد ناشی از اشتغال و دریافت دستمزد، استانداردهای زندگی فرد شاغل را افزایش می‌دهد.

از کل زنان ایران، زنان روستایی نخستین گروهی هستند که از کسب‌وکارهای کوچک استقبال کرده‌اند. اشتغال زنان روستایی می‌تواند ضمن ارتقاء سطح درآمد خانوار میل به ماندگاری خانوار روستایی در روستا را افزایش دهد. موضوع اشتغال زن روستایی از جنبه‌ای دیگر قابل بررسی است. می‌توان گفت در شرایط کنونی بدون توجه به اشتغال زن روستایی و جستجوی اشتغال‌هایی متناسب با نیازهای راهبردی آنان، زن روستایی نقشی مصرف‌کننده خواهد داشت (داورخانی، ۱۳۸۵). بدون شک یکی از اثرگذارترین‌های مهم اشتغال زنان روستایی، کنترل مولید و مدیریت جمعیت روستایی است. نتایج تحقیق موسایی و همکاران (۱۳۸۹) نشان می‌دهد بین میزان باروری زنان و مشارکت آنان در نیروی کار رابطه دوسویه وجود دارد. در چنین شرایطی توسعه کسب‌وکارهای کوچک زنان روستایی را می‌توان به عنوان یک راهبرد در توسعه اجتماعی اقتصادی روستاها مورد توجه قرار داد.

هم‌اکنون زنان روستایی در ایران در صدها کسب‌وکار کوچک به فعالیت اشتغال دارند. بنا بر داده‌های موجود مشاغل کوچکی چون قالی‌بافی، دامداری، خیاطی و گلدوزی و کارهای خدماتی بیش از دیگر فعالیت‌ها با استقبال مردم (به ویژه زنان روستایی) روبرو شده‌اند. راهنمایی و توسعه تسهیلات لازم برای توسعه و راه‌اندازی این کسب‌وکارها توسط نهادهای رسمی و غیررسمی از جمله وزارتخانه‌های جهادکشاورزی، بازرگانی، صنایع و معادن، تعاون، کار و امور

اجتماعی، بانک کشاورزی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی و موسسه‌های خصوصی تامین می‌شود (سعدی و عرب مازار، ۱۳۸۳). توسعه و گسترش SE,S در جامعه روستایی و به ویژه زنان روستایی نیازمند بررسی دقیق تنگناها، چالش‌ها و تحلیل وضعیت اقتصادی آنهاست. بر این پایه پژوهش تاثیر SE,S را بر اوضاع اقتصادی زنان روستایی در غرب ایران (استان همدان) بررسی کرده است.

روش تحقیق

این پژوهش کنونی به صورت پیمایشی^۱ انجام شده است. در این روش با گزینش و بررسی نمونه‌های منتخب از جامعه، فراوانی، توزیع و روابط بین متغیرها مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. در تحقیق پیمایشی متداول‌ترین روش برای گردآوری اطلاعات پرسشنامه است (کرلینجر، ۱۳۷۶). در کنار پرسشنامه از ابزار مصاحبه، مشاهده و مطالعات اسنادی نیز استفاده می‌شود. دقت شاخص‌ها و گویه‌ها در پرسشنامه یا روایی صوری^۲ توسط متخصصان فن مورد تأیید قرار گرفته است. برای بررسی پایایی ابزار تحقیق^۳ پرسشنامه در اختیار چند تن از مدیران کسب-وکارهای کوچک روستایی (زنان روستایی) استان همدان قرار گرفت و نتایج آن بررسی و آلفای کرونباخ آن ۹۱/۵ درصد به دست آمد که رقم قابل قبولی است. با توجه به ماهیت تحقیق در این بررسی داده‌ها توصیف و سپس تحلیل شده‌اند. در بخش توصیف اطلاعات از آماره‌های توصیفی مانند فراوانی، درصد، میانه، مد، انحراف معیار، واریانس، میانگین و موارد دیگر بهره‌گیری شد. در بخش تحلیل داده‌ها، (ارزیابی اثرگذاری‌های اقتصادی کسب‌وکارهای کوچک) از روش ارزش حال خالص و تحلیل هزینه-فایده استفاده شده است. بسیاری از بررسی‌های انجام شده در زمینه ارزیابی اثرگذاری‌های اقتصادی کسب‌وکارهای کوچک در ایران، از این روش انجام می‌گیرد. خزایی قوژدی (۱۳۷۲) در تحلیل هزینه-فایده کسب‌وکار کوچک صنایع غذایی

¹ - survey research

² - Face Validity

³ - Reliability

(صنایع پنی‌سازی) در ایران و رحمانی‌گرمی (۱۳۷۵) در ارزیابی اقتصادی طرح تولید گندم آبی در ایران از این روش‌ها استفاده کرده‌اند.

نسبت ارزش حال خالص: محاسبه ارزش حال یک فرایند مالی، تبدیل ارزش آینده همه فعالیت‌ها و پرداخت‌ها به ارزش کنونی در زمان حال است. چنانچه ارزش حال خالص یک فعالیت اقتصادی به ازای کمترین نرخ بهره یک پروژه کوچک‌تر از صفر باشد آن پروژه غیر اقتصادی است، زیرا این رابطه نشان‌دهنده این است که ارزش کنونی هزینه‌ها بیش از ارزش کنونی درآمدهاست. ولی چنانچه ارزش کنونی هزینه‌ها کمتر از ارزش کنونی درآمدها باشد، فعالیت مورد نظر اقتصادی است (اسکونژاد، ۱۳۷۷). در این بررسی از معادله (۱) برای محاسبه ارزش حال خالص استفاده شده است.

$$NPV = \sum_{t=1}^t Bt (+r)^t - \sum_{t=1}^t Ct (+r)^t \quad (1)$$

تحلیل هزینه-فایده: تحلیل هزینه - فایده یکی از روش‌های اقتصاد مهندسی برای محاسبه اقتصادی طرح‌هاست. در واقع تحلیل هزینه - فایده یک روش ارزیابی مزیت‌های نسبی طرح-های سرمایه‌گذاری عمومی به منظور برگزیدن یک تخصیص کارا از منابع است. این روش راه تشخیص، توصیف و ارزیابی عامل‌هایی است که نیاز به رسیدگی در یک تصمیم عقلایی اقتصادی دارند. برای محاسبه این نسبت از معادله (۲) استفاده می‌شود.

$$\frac{B}{C} = \frac{\sum_{i=0}^n Bi / (1+r)^i}{\sum_{i=0}^n Ci / (1+r)^i} \quad (2)$$

چنانچه $\frac{B}{C} > 1$ طرح توجیه اقتصادی دارد، اگر $\frac{B}{C} = 1$ طرح در نقطه سر به سر قرار دارد ولی اگر $\frac{B}{C} < 1$ طرح توجیه اقتصادی ندارد و در نهایت فعالیت‌ها متوقف خواهند شد. همانگونه که از محتوی تحقیق برمی‌آید، جامعه آماری تحقیق عبارت است از کل زنان روستایی استان همدان که اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکار کوچک کرده‌اند. برای گزینش نمونه‌ها، نخست فهرست کسب‌وکارهای کوچک زنان روستایی با حمایت کمیته امداد امام (ره)، سازمان جهاد کشاورزی، بانک کشاورزی و سازمان فنی و حرفه‌ای فهرست و سپس از کلیه آن‌ها چهار نوع

کسب‌وکار (قالی بافی، پرورش گل، کسب و کار خدماتی- آرایشگری زنانه و صنایع دستی) انتخاب شد. در پایان همه‌ی زنانی که در شهرستان‌های نمونه تحقیق به کسب‌وکارهای مورد اشاره اشتغال داشتند مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج و بحث

توصیف اطلاعات زنان روستایی مورد بررسی

بنا بر اطلاعات به دست آمده میانگین سن زنان روستایی فعال در کسب‌وکارهای کوچک ۳۹/۵ سال (با انحراف معیار ۱۰/۲) بوده است. از نظر تحصیلات ۲۹/۴ درصد زنان مورد بررسی بیسواد، ۳۹/۶ درصد خواندن و نوشتن و تنها ۳/۶ درصد تحصیلاتی در حد کاردانی و بالاتر دارند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، ۲۸/۴ درصد زنان روستایی فعال در کسب‌وکار همسرانشان را از دست داده‌اند و ۱۱/۲ درصد نیز از همسر خود جدا شده‌اند. بنا بر اطلاعات گردآوری شده ۴۵/۲ درصد زنان (۸۹ نفر) مورد بررسی سرپرست خانواده‌اند. زنان روستایی به طور میانگین شش ساعت و ۱۶ دقیقه در طول شبانه روز در کسب‌وکار خود فعالیت دارند (انحراف معیار ۲/۸۲ ساعت). نتایج توصیفی تحقیق گویای آن است که هر زن روستایی مورد بررسی از محل کسب‌وکار خود به طور میانگین ۱۸۰۰ هزار ریال در ماه درآمد کسب می‌کند (انحراف معیار ۱۵۰۰ هزار ریال). که از کمینه ۲۰۰ هزار ریال و تا بیشینه ۸۵۰۰ هزار ریال متغیر است. بنا بر اطلاعات به دست آمده تنها ۲۹/۴ درصد از زنان مورد اشاره توانسته‌اند از محل درآمد شغل ایجاد شده خود، مبلغی را پس‌انداز کنند. آنان به طور میانگین در کسب‌وکار خود ۸/۳ سال پیشینه فعالیت دارند (انحراف معیار ۷/۳ سال).

جدول (۱) خلاصه‌ای از ویژگی‌های زنان روستایی فعال در کسب و کار کوچک

متغیر	Mean	SD	Min	Max
سن (سال)	۳۹/۵	۱۰/۲	۱۹ سال	۶۵ سال
شمار فرزندان (نفر)	۳/۶ نفر	۳/۶	۰	۱۲ فرزند
پیشینه فعالیت (سال)	۸/۳	۷/۳	۱	۲۹
میانگین فعالیت در شبانه روز	۳/۲۸	۲/۸۲	۲	۱۵
دریافت تسهیلات (هزار ریال)	۴۱۰۰	۲۶۱۵	۳۰۰۰	۲۰۰۰۰
مدت انتظار برای دریافت تسهیلات (ماه)	۴/۸۵	۴	۱	۲۴
شمار بارهای مراجعه به بانک برای دریافت تسهیلات	۶/۵	۵/۲	۱	۲۱
درآمد ماهانه (هزار ریال)	۱۸۰۰	۱۵۰۰	۲۰	۸۵۰۰
متغیرهای کیفی				
تحصیلات	۲۹/۴ درصد بی سواد، ۳۹/۶ درصد ابتدایی، ۱۸/۸ درصد راهنمایی، ۱۲/۴ درصد دیپلم و بالاتر			
وضع تاهل	۱۹/۸ درصد مجرد، ۴۰/۶ درصد متاهل، ۱۱/۲ مطلقه، ۲۸/۴ درصد بیوه			
شرکت در دوره آموزشی	۴۹/۲ درصد بلی، ۵۰/۸ درصد خیر			
سرپرستی خانوار	۲۱ درصد بلی، ۷۹ درصد خیر			

ماخذ: یافته‌های تحقیق

بنا بر نتایج تحقیق ۵۵/۳ درصد زنان از تسهیلات بانکی برای توسعه و راه‌اندازی کسب‌وکارهای خود استفاده کرده‌اند. کمینه میزان تسهیلات ۳۰۰۰ هزار ریال و بیشینه آن ۲۰۰۰۰ هزار ریال بوده است. هر زن روستایی که از تسهیلات استفاده کرده است ۴ ماه و ۲۵ روز برای دریافت تسهیلات منتظر مانده است که در مقایسه با مدت‌های همانند در ایران و جهان رقم بالایی است (انحراف معیار ۴ ماه). کمترین مدت انتظار یک ماه با فراوانی ۹/۶ درصد و بیشترین فراوانی ۲۴ ماه انتظار برای دریافت تسهیلات است. هر درخواست‌کننده برای دریافت تسهیلات به طور میانگین ۶/۵ بار به بانک مراجعه نموده است (انحراف معیار، ۵/۲).

تسهیلات ارائه شده به کسب‌وکارهای کوچک زنان روستایی در ایران پاسخگوی هزینه‌ها نیست و زنان به روش‌های مختلف ناچار به تامین آن هستند. داده‌های این بررسی نشان می‌دهد قرض از خویشاوندان مهم‌ترین راهکار برای تامین کسری منابع مالی در توسعه کسب‌وکارهای کوچک زنان روستایی است (۶۷/۶ درصد). در این میان صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی نیز سهم قابل

توجهی را در تامین نیاز وام‌گیرندگان ایفاء می‌کنند (۱۴/۷ درصد). از دیدگاه جامعه مورد بررسی نداشتن سرمایه بزرگترین نارسایی است که آنان با آن روبرو هستند (میانگین رتبه‌ای برابر با ۴/۱۳ و ضریب تغییر برابر ۰/۲۸۸۶).

تحلیل داده‌ها (ارزیابی اقتصادی کسب‌وکارهای مورد بررسی)

همان گونه که گفته شد در این بررسی چهار دسته کسب‌وکار به صورت کاملاً تصادفی گزینش و هم‌همی زنان روستایی که در محدوده تحقیق به این چهار دسته اشتغال داشته‌اند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این پژوهش واحد تحلیل مدیر کسب‌وکارهاست که ضمن بررسی نارسایی‌ها و تنگناها، اطلاعات مالی کسب‌وکارشان گردآوری و تحلیل شده است. در هر مورد نخست کل هزینه‌ها (اعم از هزینه‌های ثابت و جاری، حقوق و دستمزد و ...) و سپس کل درآمد سالانه ارزیابی و میانگین هزینه‌ها و درآمدهای هر گروه محاسبه گردید. در نهایت با استفاده از نرخ بهره ۱۳ درصد (میانگین سپرده بانکی بلند مدت پنج ساله در ایران) نسبت ارزش حال خالص و نسبت هزینه فایده کسب و کارها ارزیابی شد.

مشاغل خدماتی: شمار قابل توجهی از زنان روستایی در ایران با حمایت سازمان‌ها و موسسه‌های مالی اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکارهای خدماتی از جمله تاسیس کارگاه خیاطی، فروش محصولات غذایی و پوشاک یا ارائه خدمات آرایشگری زنانه نموده‌اند. گرایش به این گونه فعالیت‌ها به دلیل نیاز کم به سرمایه‌گذاری، سودآوری قابل قبول و پائین بودن خطر آن در جامعه روستایی بالاست. در این بررسی هزینه‌ها و درآمدهای شماری از واحدهای آرایشگری محاسبه و میانگین آنها ملاک ارزیابی قرار گرفته است.

برای محاسبه ارزش حال خالص این کسب‌وکار، هزینه‌ها و درآمدهای آن در طول یک سال مالی محاسبه شده است. برای این منظور، نخست چند واحد خدماتی آرایشگری زنانه به صورت تصادفی گزینش و از ره مصاحبه با آنان تنگناهای مالی آنها ارزیابی و سپس میانگین آنها محاسبه شده است. نتیجه در جدول (۲) آمده است.

جدول (۲) میانگین هزینه‌ها و درآمد‌های یک سال مالی (۲۰۱۱) یک کسب‌وکار کوچک روستایی (آرایشگری زنانه)

هزینه‌ها	هزینه	هزینه کل	درآمد (ماه)	درآمد کل
۱ هزینه ثابت	۴۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰		
۲ حقوق و دستمزد	۱۰۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰۰		
۳ هزینه‌های ساختمان	----	----	۴۰۰۰۰۰۰	۴۸۰۰۰۰۰۰
۴ هزینه حمل و نقل	----	----		
هزینه تاسیسات	۵۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰		
۵ دیگر موارد	----	----		
جمع		۱۶۶۰۰۰۰۰۰		

ماخذ: نتایج تحقیق

به این ترتیب نسبت ارزش حال خالص (NPV) برای سال مالی ۲۰۱۰ عبارت است از:

$$NPV_{۸۹-۸۸} = ۶۷۲۰۰۰۰۰۰ (۱+۱۳) - ۱۶۶۰۰۰۰۰۰ (۱+۱۳) = ۵۸۸۰۰۰۰۰۰ - ۲۳۲۴۰۰۰۰۰ = ۳۵۵۶۰۰۰۰۰$$

با توجه به داده‌های موجود، نسبت هزینه به فایده در مورد کسب‌وکار آرایشگری با استفاده از معادله (۳) برابر است با:

$$\frac{B}{C} = \frac{588000000}{232400000} = 2.53 \quad (۳)$$

با توجه به اعداد و ارقام موجود می‌توان نتیجه گرفت در شرایط کنونی این کسب‌وکار ارزش اقتصادی برای تداوم دارد. به بیان ساده‌تر تداوم این فعالیت می‌تواند برای مجری سودآور باشد.

صنایع دستی: بخش قابل توجهی از SES در ایران در بخش صنایع دستی است. این دسته از کسب و کارها بیش از ۲۵۰ رشته و ۱۵ زیر گروه را شامل می‌شوند و جمعیتی بالغ بر ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر به صورت مستقیم و ۸ میلیون نفر به صورت غیر مستقیم در این زمینه مشغول به فعالیت هستند، SES در زمینه صنایع دستی در ایران در صورت حمایت می‌تواند سالانه حدود صد هزار شغل ایجاد نماید. بنا بر برآوردهای انجام شده بیش از ۷۰ درصد فعالان این حوزه را زنان تشکیل می‌دهند (دانیالی، ۱۳۸۸). در این بررسی هزینه‌ها و درآمدهای شماری از کارگاه‌های کوچک صنایع دستی محاسبه و میانگین آنها ملاک ارزیابی قرار گرفته است.

برای محاسبه ارزش حال خالص این کسب و کار، هزینه ها و درآمدهای آن در طول یک سال مالی محاسبه شده است. برای این منظور، نخست چند واحد صنایع دستی به صورت تصادفی گزینش و از راه مصاحبه تنگناهای مالی آن ها ارزیابی و سپس میانگین آنها محاسبه شده است. نتیجه در جدول (۳) آمده است.

جدول (۳) میانگین هزینه ها و درآمد های یک سال مالی (۲۰۱۱) یک کسب و کار کوچک روستایی (صنایع دستی)

هزینه ها	مبلغ	درآمد (ماه)	درآمد کل
۱ هزینه ثابت	۱۵۰۰۰۰۰		
۲ حقوق و دستمزد	----		
۳ هزینه های ساختمان	----		
۴ هزینه حمل و نقل	۵۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰	۱۰۸۰۰۰۰۰
هزینه تاسیسات			
۵ مواد اولیه	۵۰۰۰۰۰		
جمع	۸۱۰۰۰۰۰		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

به این ترتیب نسبت ارزش حال خالص (NPV) برای سال مالی ۲۰۱۰ عبارت است از:

$$NPV_{89-88} = 10800000(1+13) - 8100000(1+13) \\ = -151200000 - 113400000 = 37800000$$

با توجه به داده های موجود نسبت هزینه به فایده در مورد کسب و کار صنایع دستی، این نسبت با استفاده از رابطه برابر است با:

$$\frac{B}{C} = \frac{151200000}{113400000} = 1.34 \quad (4)$$

با توجه به اعداد و ارقام موجود می توان نتیجه گرفت در شرایط کنونی این کسب و کار ارزش اقتصادی برای تداوم دارد. به بیان ساده تر تداوم این فعالیت می توان برای مجری سودآور باشد.

قالی بافی (فرش بافی سنتی): فرش دستباف عمده ترین و اصیل ترین صنعت دستی ایران است (سلطانی نیا، ۱۳۷۲). ایران پس از چین و هند رتبه سوم جهانی را در این زمینه دارد

(رستمی، ۱۳۸۳). فرش دستباف از لحاظ اشتغال بویژه در مناطق روستایی و صادرات غیر نفتی جایگاه مهمی دارد و بخش قابل توجهی از تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد. فرش دستباف از عمده اقلام صادراتی کشور است که سهم زیادی در اشتغال دارد و درآمد و زندگی حدود هشت تا نه میلیون نفر را به طور مستقیم و غیر مستقیم تحت پوشش قرار می‌دهد (کیانی ابری و خاقانی، ۱۳۸۵؛ چوبینه، ۲۰۰۷). فرش دستباف ایران به بیش از ۱۰۰ کشور جهان صادر می‌شود، البته بیش از ۵۰ درصد آن به آلمان و ایتالیا صادر می‌شود (شرکت سهامی فرش ایران، ۱۳۹۰).

فرش دستباف در بیشتر روستاها و مناطق عشایر نشین کشور بافته می‌شود. به طوری که در حدود ۶۰ درصد از دارهای قالی‌بافی در مناطق روستایی و ۴۰ درصد بقیه در شهرها مستقر می‌باشد (عطری، ۱۳۷۴؛ هاشمی، ۱۳۷۴). بخش اعظم بافندگان فرش زنان روستایی هستند که به صورت منفرد و یا از راه تعاونی‌ها از این راه کسب درآمد و زندگی می‌کنند. توسعه بافت فرش در بین زنان روستایی علاوه بر نتایج اقتصادی باعث شخصیت بخشیدن به دختران شده و رضایت‌مندی آنان را از کارشان افزایش داده است (افراخته و همکاران، ۱۳۸۸).

به طوری که نتایج تحقیق ونتورا (۱۹۹۴)، نشان می‌دهد، در کشورهای اروپایی تعاونی‌ها در سه حوزه صنایع دستی و خانگی، گردشگری کشاورزی و تولیدات فرهنگی اثرگذاری‌های اقتصادی و اجتماعی چون ایجاد تحرک اجتماعی در زنان عضو، افزایش درآمد خانواده، تحرک در اقتصاد محلی و ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال داشته است. تولید فرش به شیوه سنتی یکی از مهم‌ترین صنایع دستی و اقلام صادراتی در ایران است. تولید فرش سنتی در ایران بیشتر توسط زنان انجام می‌شود. در این بررسی هزینه‌ها و درآمدهای شماری از واحدهای قالی‌بافی سنتی محاسبه و میانگین آنها ملاک ارزیابی قرار گرفته است.

برای محاسبه ارزش حال خالص این کسب‌وکار، هزینه‌ها و درآمدهای آن در طول یک سال مالی محاسبه شده است. برای این منظور، نخست چند واحد صنایع دستی به صورت تصادفی گزینش و از راه مصاحبه تنگناهای مالی آنان ارزیابی و سپس میانگین آنها محاسبه شده است. نتیجه در جدول (۴) آمده است.

جدول (۴): میانگین هزینه ها و درآمد های یک سال مالی (۲۰۱۱) یک کسب و کار کوچک روستایی (قالیبافی)

هزینه ها	مبلغ	درآمد (ماه)	درآمد کل
۱ هزینه ثابت	۳۰۰۰۰۰		
۲ حقوق و دستمزد	-----		
۳ هزینه های ساختمان	-----		
۴ هزینه حمل و نقل	۵۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰۰۰
هزینه تاسیسات	۱۰۰۰۰		
۵ مواد اولیه	۱۱۰۰۰۰۰۰		
جمع	۱۴۴۰۰۰۰۰		

ماخذ: نتایج تحقیق

به این ترتیب نسبت ارزش حال خالص (NPV) برای سال مالی ۲۰۱۰ عبارت است از:

$$NPV_{89-88} = 24000000(1+13) - 14400000(1+13) = 33600000 - 20160000 = 13440000$$

نسبت هزینه به فایده: در مورد کسب و کار صنایع قالی بافی این نسبت با استفاده از رابطه برابر است با:

$$\frac{B}{C} = \frac{336000000}{201600000} = 1.67 \quad (5)$$

با توجه به اعداد و ارقام موجود می توان نتیجه گرفت در شرایط حاصر این کسب و کار ارزش اقتصادی برای تداوم دارد. به بیان ساده تر پیوستگی و ادامه این فعالیت می توان برای مجری سودآور باشد. اما مقایسه اعداد نشان می دهد فعالیت در حوزه قالی بافی نیز نسبت فایده به هزینه کمتر از فعالیت های خدماتی (در اینجا آرایشگری زنانه) است.

پرورش گل: بنا بر آمار سال ۲۰۰۷ در ایران گستره ای برابر ۴۵۰۰ هکتار به صورت گلخانه و فضای باز به کاشت گل و گیاهان زینتی اختصاص دارد. از این میزان ۱۳۰۰ میلیون شاخه گل بریده، ۳۵ میلیون گلدان گیاه آپارتمانی و ۱۵۰ میلیون اصله درخت و درختچه زینتی تولید می شود. در مقایسه با کشورهای تولیدکننده گل، ایران دارای مزیت نسبی و شرایط مناسب آب و هوایی است لیکن جایگاه مناسبی از نظر تولید گل و گیاهان زینتی ندارد (مهراوران، ۲۰۰۷). البته در سال های اخیر به صورت سنتی و پیشرفته روند توسعه گلخانه ها در ایران رو به افزایش

است. در برخی از مناطق ایران کشت گلخانه به صورت کسب‌وکار کوچک مورد پذیرش مردم و به ویژه جوانان روستایی قرار گرفته است. شماری از زنان روستایی مورد بررسی در تحقیق کنونی اقدام به راه‌اندازی گلخانه نموده‌اند. در این بررسی هزینه‌ها و درآمدهای شماری از واحدهای پرورش گل محاسبه و میانگین آنها ملاک ارزیابی قرار گرفته است. برای محاسبه ارزش حال خالص این کسب‌وکار، هزینه‌ها و درآمدهای آن در طول یک سال مالی محاسبه شده است. برای این منظور، نخست چند واحد پرورش گل به صورت تصادفی گزینش و از راه مصاحبه تنگناهای مالی آن‌ها ارزیابی و سپس میانگین آنان محاسبه شده است. نتیجه در جدول (۵) آمده است.

جدول (۵): میانگین هزینه‌ها و درآمدهای یک سال مالی (۲۰۱۱) یک کسب و کار کوچک روستایی (پرورش گل)

هزینه‌ها	مبلغ	درآمد (ماه)	درآمد کل
۱ هزینه ثابت	۲۰۰۰۰۰		۲۰۰۰۰۰
۲ حقوق و دستمزد	---		---
۳ هزینه‌های ساختمان	۵۰۰۰۰۰		۶۰۰۰۰۰
۴ هزینه حمل و نقل	۶۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰۰
هزینه تاسیسات	۲۰۰۰۰۰		۱۲۰۰۰۰
۵ مواد اولیه	۵۰۰۰۰۰		۶۰۰۰۰۰
جمع			۱۵۹۲۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

به این ترتیب نسبت ارزش حال خالص (NPV) برای سال مالی ۲۰۱۰ عبارت است از:

$$NPV_{۸۹-۸۸} = ۶۰۰۰۰۰۰ (۱+۱۳) - ۱۵۹۲۰۰۰ (۱+۱۳) = ۸۴۰۰۰۰۰ - ۲۲۲۸۸۰۰۰ = ۶۱۷۱۲۰۰۰$$

با توجه به داده‌های موجود نسبت هزینه به فایده در مورد کسب و کار این نسبت با استفاده از رابطه برابر است با:

$$\frac{B}{C} = \frac{840000000}{222880000} = 3.77 \quad (۶)$$

با توجه به اعداد و ارقام موجود می‌توان نتیجه گرفت در شرایط حاضر این کسب‌وکار ارزش اقتصادی بالایی برای تداوم دارد. به بیان ساده‌تر تداوم این فعالیت می‌تواند برای مجری سودآور باشد. مقایسه اعداد نشان می‌دهد فعالیت در تولید و پرورش گل‌های زینتی منافع اقتصادی قابل پذیرش حتی در مقایسه با فعالیت‌های خدماتی برای مجری دارد. توانایی اقتصادی این حرفه را باید در نو بودن و تخصصی شدن این کسب‌وکار جستجو کرد. تحقیق انجام شده توسط الوانی و رحمتی (۱۳۸۷) در این زمینه اثرگذاری‌ها اقتصادی فعالیت‌های گلخانه در ایران نشان داد ارزش خالص کسب‌وکار گلخانه مثبت است. در این بررسی ۱۰ گلخانه تحلیل اقتصادی شدند، نتایج نشان داد شاخص سودآوری ۲۰ درصد گلخانه‌ها بیش از ۳/۵ است، در مقابل این شاخص برای شماری از این واحدها کمتر از یک می‌باشد.

با وجود سودآوری بالای این صنعت، به دلیل ناآشنایی مردم و کارشناسان کشاورزی با گلکاری در سطح خرد و نبود تبلیغات کافی در این رابطه گرایش به ان در سطح مطلوبی قرار ندارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بنا بر نتایج تحقیق عملکرد اقتصادی کسب‌وکارهای کوچک در نقطه بهینه و در وضعیت مثبت قرار داشته و دو نسبت (ارزش حال خالص و نسبت هزینه فایده) بنا بر معیار تعریف شده، تأییدکننده نتایج بالاست. به این ترتیب نسبت ارزش حال کسب‌وکارهای مورد بررسی بزرگ‌تر از صفر و نسبت هزینه فایده آن‌ها بزرگتر از یک بوده است. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت کسب‌وکارهای کوچک علاوه بر ایجاد اشتغال، می‌توانند با هزینه و خطر پائین درآمد قابل پذیرشی را نصیب زنان روستایی نمایند.

نتایج تحقیق همچنین نشان داد نسبت B/C در کسب‌وکارهای مختلف متفاوت و در برخی از کسب‌وکارها به حدود ۴ رسیده است. این بدان معنی است که میزان درآمدزایی کسب‌وکارهای کوچک روستایی متفاوت است. بررسی نتایج نشان می‌دهد کسب‌وکارهای که دارای اقدام‌های نوآورانه هستند و در منطقه مورد بررسی اقدامات همانند آن انجام نشده یا کم است نسبت هزینه فایده بیشتری دارند. همچنین تولیدات برخی از کسب‌وکارها علاوه بر مصرف داخلی می‌توانند به برخی از کشورهای جهان نیز صادر شوند. به این ترتیب در صورت حمایت از کسب‌وکارهای کوچک با نسبت هزینه فایده بالا می‌توان انتظار داشت که این کسب‌وکارها در

بلندمدت به کسب‌وکارهای میانگین و بزرگ تبدیل شوند. این مهم خود نیازمند حمایت جدی دولت به خصوص در تامین تسهیلات مورد نیاز این واحدهای اقتصادی است.

باید توجه داشت گرچه در ارزیابی فایده‌ها و هزینه‌ها همواره نگاه اقتصادی مد نظر است و شاخص‌های پولی مانند دلار به کار می‌رود، اما سودمندی‌ها، نتایج و هزینه‌های طرح‌های اقتصادی همواره بسیار فراتر از تغییرات ایجاد شده در درآمدهای افراد است. ممکن است در پروژه‌ای درآمد فرد به صورت معنی‌داری افزایش نیابد اما او همچنان خواهان اجرا و تداوم آن باشد، زیرا احتمالاً اثرگذاری‌های روانی و اجتماعی بسیاری به دنبال دارد که اغلب مورد توجه واقع نشده‌اند. بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک برای زنان روستایی اعتماد به نفس و برای فرزندان آنان عزت نفس به دنبال داشته است. لذا این گونه طرح‌ها را نمی‌توان تنها از نگاه اقتصادی ارزیابی کرد. با توجه به آنچه گذشت می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

- با توجه به نتایج تحقیق، کسب‌وکارهای کوچک به عنوان یک گزینه برای ایجاد اشتغال و افزایش سطح مشارکت اقتصادی به ویژه در جامعه روستایی مورد توجه قرار گیرد. برای این منظور لازم است نخست فهرست کامل کسب‌وکارهایی که زنان روستایی می‌توانند با سرمایه محدود در آنها مشغول به فعالیت شوند شناسایی و در دسترس همگان قرار گیرد. هم‌اکنون زنان روستایی صرفاً با مشاغل سنتی و محلی آشنا هستند، این در حالی است که در بسیاری از مناطق روستایی ایران ظرفیت توسعه کسب‌وکارهای مختلف با هزینه‌های محدود وجود دارد.

- با توجه به کم بودن هزینه اشتغال در کسب‌وکارهای کوچک در مقایسه با صنایع بزرگ، ضروری است منابع مالی مورد نیاز برای ایجاد و توسعه این کسب و کارها بدون درگیر شدن در دیوانسالاری معمول اداری تامین و در اختیار زنان روستایی قرار گیرد. استفاده از نظام گردشی نیز در ضمانت یکدیگر یکی از راهکارهای موفق در کاهش دیوانسالاری اداری به ویژه در برای درخواست و دریافت تسهیلات بانکی است.

- با توجه به بالا بودن نسبت هزینه - فایده در برخی از کسب‌وکارهای کوچک از جمله تولید و پرورش گل و گیاهان زینتی در این بررسی و نیز قابلیت‌های بالای کشور در تولید اینگونه

محصولات، لازم است مناطقی که امکان توسعه این کسب‌وکار فراهم است شناسایی و زمینه اشتغال زنان روستایی را در آن‌ها فراهم کرد.

- نظر به اینکه آموزش، قابلیت زنان روستایی را در مدیریت کسب‌وکارهای کوچک افزایش می‌دهد، بایستی شرایط لازم برای شرکت افراد در دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت مرتبط با اینگونه کسب‌وکارهای کوچک مقیاس فراهم شود. این آموزش‌ها می‌تواند در زمینه‌های فنی و تخصصی، مالی، مدیریت کسب‌وکار و حتی سواد آموزی برای کسانی که کم‌سواد یا بی‌سواد هستند برگزار شود.

- دختران و زنان روستایی به ادامه تحصیل در سطوح بالاتر تشویق شوند. هر چقدر مدیر این گونه کسب‌وکارها تحصیلات بالاتری داشته باشد امکان روی آوردن به کسب‌وکارهای جدید بیشتر می‌شود.

و در نهایت، کسب‌وکارهای کوچک می‌تواند به عنوان یک راهبرد مناسب در توسعه اشتغال و کاهش میزان بیکاری مطرح و موثر باشد، به شرط این که مورد حمایت دولت قرار گرفته و مدیریت علمی بر ساماندهی و توسعه آنها اعمال شود.

منابع

اسکونژاد، م. م. (۱۳۷۷). اقتصاد مهندسی، انتشارات دانشگاه امیرکبیر
افراخته، ح.، اسکندری‌ثانی م. و اسماعیل‌نژاد م. (۱۳۸۸). نقش قالی‌بافی در توسعه روستایی:
بررسی موردی کارگاه قالی‌بافی دهستان بالاولایت کاشم. فصلنامه روستا و توسعه
۱۲(۱): ۲۸ - ۲۸ - ۱.

خزایی قوژدی، ع. (۱۳۷۲) تحلیل هزینه - فایده مالی و اقتصادی - اجتماعی کارخانه کوچک
پنیرسازی (در روستاهای استان فارس). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی،
رشته اقتصاد.

دادورخانی، ف. (۱۳۸۵). توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان. پژوهش‌های جغرافیایی -
شماره ۵۵. ص ۱۷۱ تا ۱۸۸.

رحمانی گرمی، ح. (۱۳۷۵). ارزیابی اقتصادی طرح محوری گندم آبی در ایران. پایان‌نامه
کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، رشته اقتصاد.

رستمی، م. (۱۳۸۳). بررسی وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی (منطقه شاخص: شهرستان ساری)، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، سال ۴، شماره ۱. ص ۶۶ - ۳۹.

سلطانی نیا، ح. (۱۳۷۲). بررسی نقش تعاونی‌ها در تولید و صادرات فرش دستباف ایران، تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

شرکت سهامی فرش ایران (۱۳۹۰). ترکیب صادرات فرش دستباف ایران به بازارهای خارجی عرب مازار، ع. و سعدی، ح. (۱۳۸۳). بانک کشاورزی و حمایت از زنان سرپرست خانوار. شماره ۱، دوره ۴، ص ۲۸ - ۴.

عطری، ح (۱۳۷۴). بررسی مشکلات بازار جهانی فرش دستباف ایران و ارائه راه حل جهت توسعه صادرات آن، تهران: رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران. کلانتری، خ. (۱۳۷۵). صنایع کوچک نابرابر منطقه‌ای و تجربه کشورهای در حال توسعه. ماهنامه جهاد شماره ۱۸۹-۱۸۸. ص ۶۲ - ۵۷.

کرلینجر، ف. (۱۳۷۶). مبانی پژوهش در علوم رفتاری. ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند. موسسه انتشارات آوای نور.

کیانی ابری، م. و خاقانی، م. (۱۳۸۵). مقایسه ارزش‌افزوده فرش دستباف در شرایط تولید کارفرمایی و خویش‌فرمایی، گلجام، پاییز و زمستان ۱۳۸۵ - (۴-۵): ۱۱۲-۸۷. موسایی، م.، مهرگان ن. و رضایی ر. (۱۳۸۹). نرخ باروری و مشارکت زنان در نیروی کار (بررسی موردی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا). فصلنامه زن در توسعه و سیاست. دوره ۸، شماره ۲، ص ۶۸-۵۵.

مهرآوران، ح. (۲۰۰۷). هیدروپونیک. آب کشت (کشت بدون خاک). انتشارات جهاد دانشگاهی ارومیه.

الوانی، س. م. و رحمتی م. ح.، (۲۰۰۸). بررسی اقتصادی زمینه‌های ایجاد کسب‌وکار در صنعت گل و گیاهان زینتی. توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره اول، ص ۱۱ - ۵۰. هاشمی، م. (۱۳۷۴). نقش اقتصادی اجتماعی زنان روستایی قالیباف، فصلنامه مرکز مطالعات برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی ویژه نامه زنان در کشاورزی، سال سوم. ص ۲۰۲ - ۱۷۹.

Ale Ebrahim N. & S. Ahmed1 and Z. Taha (2010). Virtual R&D teams and SMEs growth: A comparative study between Iranian and Malaysian

- SMEs. *African Journal of Business Management Vol. 4(11)*, pp. 2368-2379.
- Choobineh. A, Hosseini. M, Lahmi. M, Khani Jazani. R, Shahnavaaz.H, (2007). Musculoskeletal problems in Iranian hand- woven carpet industry: *Guidelines for workstation design, Applied Ergonomics*, 38.
- Chun, R.J. (1998). A quick guide for women and minority entrepreneurs. *Entrepreneur: 25*.
- Haggblade, Steven & Hazell, Peter B. R. & Reardon, Thomas, 2009. "Transforming the rural nonfarm economy: Opportunities and threats in the developing world," Issue briefs 58, *International Food Policy Research Institute (IFPRI)*.
- Jones, O. and Macpherson, A. (2006) 'Inter-Organisational Learning and Strategic Renewal in SMEs: Extending the 4I Framework'. *Long Range Planning, Vol. 39(2)*, pp. 155-175.
- Mohapatra, S & et al (2007). The Rise of Self-Employment in Rural China: *Development or Distress World development. Volume 35, issue 1, pages 163-181*
- Sarosa, S. (2007). The information technology adoption process within Indonesian small and medium enterprises. *University of Technology, Sydney*.
- Simeon N. S. and L. Goldmark (2009). Small Firm Growth in Developing Countries. *World Development. Volume 37, Issue 9, September, Pages 1453-1464*.
- US. Small Business Administration (SBA) <http://www.sba.gov/>
- Ventura, F. (1994). "Women in Italian Agriculture: New Problems" in van der Plas, L. and Fonte, M. (eds.) *Rural Gender Studies in Europe. The Netherlands: Van Gorcum, pp. 80-90*.